



اندیشه سیاسی

جایگاه «بر نامه» نزد کاندیداهای ریاست جمهوری در گفت‌وگو با الهه کولایی

شعار به جای برنامه

بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، پیش‌تر در مجموعه اسناد بالادستی مشخص شده‌اند



عاطفه شمس در پرونده‌ای که اخیراً با موضوع «تحزب»، فرصت‌ها و موانع» در صفحه «سیاست‌نامه» منتشر شد، به بررسی وضعیت احزاب در کشور و کارایی آنها در فراز و نشیب‌های سیاسی پرداختیم. از آنجا که بین قوام تحزب در کشور و آرایه برنامه‌های عینی و معقول از سوی کاندیداهادر انتخابات، رابطه تنگاتنگی وجود دارد در پرونده جدید که نخستین شماره آن اکنون پیش روی تان است، ضرورت ار ایه بر نامه از سوی نامزدها را با الهه کولایی، استاد علوم سیاسی و عضو شورای هماهنگی مجمع زنان اصلاح‌طلب در میان گذاشتیم. کولایی معتقد است در جامعه ما احزاب، در نظام انتخاباتی به درستی مورد توجه قرار نگرفته‌اند و سیاست واحدی نسبت به تقویت حضور آنها در فعالیت‌های سیاسی کشور وجود نداشته‌است. وی با تأکید بر اینکه احزاب، وظیفه آموزش دادن و آماده ساختن جامعه را برای شناخت و استفاده از بهترین ابزارها و مسیرها برای دستیابی به اهداف خود بر عهده دارند، می‌گوید که به دلیل ضعف این نهادها به‌طور طبیعی خروچی‌های مناسب نیز شکل نمی‌گیرد. به این ترتیب، ما به‌طور دائم با فراز و نشیب‌های تند سیاسی روبه‌رو هستیم به گونه‌ای که نه بر نامه که شعار هابه دلیل سطح توسعه سیاسی کشور مطرح می‌شود واز آنجا که تداوم و پایداری نیز در اجرای آنها وجود ندارد و به دلیل فراز و نشیب‌های تند سیاسی در کشور و فقدان نگاه عمیق توسعه‌ای، ما شاهد تکان‌هایی هستیم که اجرای یک‌نگرش مبتنی بر برنامه‌ریزی رادشوار و در برخی مواقع غیرممکن می‌سازد. در ادامه، متن کامل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چرا احزاب اغلب در انتخابات ورود نکرده یا منفعلانه عمل می‌کنند؟

اگر منظور شما انتخابات ریاست جمهوری است که در طول سال‌های گذشته بر اساس جرح‌به‌های موجود، بسیاری از احزاب موضع مشخص خود را در قبال انتخابات

سرگشتگی انسان معاصر در پی یافتن پاسخ به پرسش‌های دیرین خود در باب معنای زندگی همچنان چالشی اساسی در محافل اندیشه‌ورزی است؛ به گونه‌ای که انسان امروز در مواجهه با گسترده‌گی و پشرفت روزافزون علم و منابع اطلاعاتی در دسترس و همچنین رواج رسانه‌های ارتباطی، بیش از هر زمان دیگری دچار یأس و ناامیدی شده است. «من کیستم؟» «در این جهان چه می‌خواهم؟» «این جهان را چه پایانی است؟» و پرسش‌هایی از این دست که پاسخ به آنها در گرو یافتن در کی بر معنای زندگی است، ذهن انسان درگیر اما تنها شده در زندگی مدرن را ریش از پیش به خود مشغول داشته است. انتشارات فرهنگ معاصر به تازگی مجموعه‌ای با عنوان «در جست‌وجوی معنای زندگی» منتشر کرده‌است. این مجموعه شامل ۱۰ گفت‌وگو با اندیشه‌ورزان اروپایی آلمانی‌زبان با آلمانی دان است که به همت خسرو نافذ، مترجم کتاب از متن

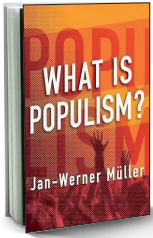
هفت‌تر در مورد پوپولیسم

یان-ورنر مولر

ترجمه محمود اسماعیل‌نیا

یان-ورنر مولر، استاد علم سیاست در دانشگاه پرینستون در کتاب جدیدش با عنوان «پوپولیسم چیست؟» (۲۰۱۶)، انتشارات دانشگاه پنسیلوانیا) به بررسی خیزش‌های پوپولیستی اخیر در آمریکا، اروپا و امریکای لاتین می‌پردازد و در فصل پایانی کتاب هفت‌تر اصلی در مورد پوپولیسم را مطرح می‌کند.

یک (زمینه‌طهور) پوپولیسم به‌بخشی اصیل از سیاست مدرن دموکراتیک است و نه نوعی آسیب‌ناشی از رفتار شهروندان غیرعقلانی بلکه پوپولیسم سبایه دایمی «سیاست نمایندگی» است. زیرا همیشه این امکان وجود دارد که یک کنشگر سیاسی برای مقابله با خبیگان قدرتمند، از طرف «مردم واقعی» سخن بگوید. در آتن قدیم شاید عوام‌فریبی وجود داشت ولی خبری از پوپولیسم نبود چون پوپولیسم فقط در سیستم‌های مبتنی بر نمایندگی امکان ظهور دارد. پوپولیست‌ها باصل نمایندگی



بدترین و بهترین نوع حکومت

به قول جرج بیل، دموکراسی بدترین نوع حکومت است ولی بهتر از این نوع حکومت نیز وجود ندارد. بدون شک، روش‌ها و حکومت‌های دموکراتیک مشکلات خود را دارند و در بسیاری از جوامع به‌عوام‌سالاری و عوام‌زدگی منجر می‌شوند، در حالی که ما گزیننه‌ای بهتر از مراجعه به آرای عمومی در اختیار نداریم. بنابراین، هرگاه فضای نقد و بررسی، گفت‌وگو و تبادل نظر در جامعه فراهم شود که فرصت انتخابات، چنین فضای را در جامعه تقویت می‌کند، افزایش این نوع مجال‌ها و فرصت‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی‌های عمومی، بالا رفتن قدرت انتخاب جامعه و باز شدن مع بر بیکاران و دغل‌کاران کمک کند و مردم را در انتخاب بهترین فردی که توان، ظرفیت و اراده بهیود شرایط آنها را دارند، کمک کند.

و مسیرها برای دستیابی به اهداف خود است که به دلیل ضعف این نهادها به‌طور طبیعی خروجی‌های مناسب نیز شکل نمی‌گیرند و به این ترتیب، ما به‌طور دائم با فراز و نشیب‌های تند سیاسی روبه‌رو هستیم به گونه‌ای که نه بر نامه که شعارها به دلیل سطح توسعه سیاسی کشور مطرح می‌شود. از آنجا که تداوم و پایداری نیز در اجرای آنها وجود ندارد چرا که اجرای تحقق بر نامه، مداولت و استمرار سیاست‌هایی است که امکان تحقق آن را فراهم آورند و به دلیل فراز و نشیب‌های تند سیاسی در کشور و فقدان نگاه عمیق توسعه‌ای، ما شاهد تکان‌هایی هستیم که اجرای یک‌نگرش مبتنی بر برنامه‌ریزی رادشوار و در برخی مواقع غیرممکن می‌سازد.

این بی‌برنامگی چه آفتی را نصیب جامعه از سویی و عرصه سیاسی از سوی دیگر می‌کند؟

به‌طور طبیعی، کنش‌ها و فعل و انفعالات سیاسی تأثیر مستقیم بر مسائل جامعه را در بر دارد و جامعه از اثرات این تحولات سیاسی به‌طور مستقیم تأثیر و تأثر می‌پذیرد. بنابراین، فقدان این تفکر بر نامه‌ای، در عمل، رسیدن به اهداف سنجیده‌شده و قابل دسترسی را در سطوح مختلف و در چشم‌اندازهای متفاوت دشوار می‌سازد. در حالی که برای نمونه در کشور ما متنی به نام سند چشم‌انداز مورد تصویب قرار گرفت و بر اساس آن، برنامه‌هایی تصویب شد. روشن است که این برنامه‌ها سمت و سوی کلی بسیاری از رفتارهای دولت‌ها و حتی احزاب و جریان‌های سیاسی را روشن می‌سازد. بسیاری از رفتارهای احزاب و مجموعه‌های سیاسی جز در چارچوب این برنامه‌ها مصوب قابل دسترسی نیست اما شاهد هستیم که بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های قوانین مصوب و برنامه‌های تصویب شده، میاحتی در جامعه مطرح می‌شود که با استفاده از دانش اندک سیاسی بسیاری از مردم، بر برخی آموزه‌ها موقف می‌شوند تکان‌های سیاسی اساسی به‌جامعه‌دهند بدون اینکه بسیاری از مردم از این مسوولیت‌ها و امکانات اطلاع درستی داشته باشند. در واقع، بسیاری از برنامه‌های قابل اجرا در کشور در چارچوب قوانین بالادستی معین شده و اینگونه نیست که یک فرد بتواند تغییرات بسیار مشهود در بسیاری از روندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی کشور ایجاد کند و به دلیل آگاهی ضعیف نسبت به این امکانات و محدودیت‌ها و قوانین مصوب، این مجال فراهم می‌شود که برخی از نامزدها بتوانند شعارهایی را مطرح کنند که بسیاری از رای‌دهندگان بدون توجه به امکانات اجرایی شدن آن، به دنبال این گروه از نامزدها روانه شوند.

آیا اصلاً تدوین بر نامه برای کاندیداهای

ریاست جمهوری ممکن است؟
همانطور که اشاره کردم ما یک مجموعه اسناد بالادستی داریم که بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌های منتخب را شکل می‌دهند و این گونه نیست که یک نامزد پیست ریاست جمهوری، دست‌های برای پیگیری سیاست‌هایی داشته باشد که مورد نظر او است یا از دید او مطلوب به شمار می‌آید. بسیاری از این برنامه‌ها پیش‌تر در قالب برنامه‌های توسعه تدوین شده و سمت و سوی سیاست‌ها مشخص شده و حتی در اسناد دیگری، این روش‌ها و رویکردها تعیین شده است. مجموعه‌ای از امکانات در اختیار فردی که دستگاه اجرایی را در اختیار می‌گیرد وجود دارد که باید به درستی بازخوانی شده و از آنها بهره‌برداری شود که هنر احزاب، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی، بازشناسی این فرصت‌ها و پیدا کردن روش‌ها و رویکردهای مناسب برای اجرای کردن برنامه‌های است که از پیش تصویب شده یا حتی اهدافی که از پیش طراحی شده که این مساله در جای خود بسیار مهم است که با چه روشی بر اساس اولویت‌گذاری، دستیابی به این اهداف دنبال خواهد شد که این تفاوتی است که می‌تواند بین نامزدها وجود داشته باشد. در حالی که ما شاهد هستیم برخی از نامزدها در اصل نگاهی به این ظرفیت‌های محدودکننده یا فرصت‌ها ندارند و تنها برای جلب آرای عمومی، شعارهایی را مطرح می‌کنند که فقط تا پای صندوق‌های رای کارایی دارند و پس از آن، با بیلیت اجرا برای آن دیده‌شده و در نتیجه، باعث یأس و سرخوردگی بخش‌های بزرگی از جامعه می‌شود.

آیا این امکان وجود دارد همان طور که از قبل باید

صلاحیت کاندیدبها تأیید شود، شعارها و برنامه‌های

سیاست‌نامه



آنها نیز از بعد مواردی که اشاره فرمودید، توسط گروه‌های کارشناسی و متخصص که به لحاظ حقوقی جایگاه مشخصی دارند به تأیید برسد؟

به نظر می‌رسد این وظیفه‌ای است که احزاب و گروه‌های سیاسی بر عهده دارند که در فضای انتخابات، با به کار گرفتن کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مختلف، قابلیت اجرایی کردن شعارها و برنامه‌های نامزدها را به چالش بکشند و آنها را مورد بحث و بررسی قرار دهند و از این طریق، به افزایش آگاهی‌های عمومی کمک کنند و همه رسانه‌های جمعی در این زمینه می‌توانند فضای انتخابات را به عرصه‌ای برای افزایش آگاهی‌های عمومی و جلوگیری از فریب مردم و تقویت عوام‌زدگی تبدیل کنند که اینها از مزایای روش‌های دموکراسی و فضاهای آزاد است که امکان افزایش آگاهی‌ها و بالا رفتن دانش سیاسی عموم مردم را فراهم می‌کند.

آیا کشور های دیگری هستند که چنین تجربه‌ای داشته و در این زمینه موفق بوده باشند؟

به قول جرج بیل، دموکراسی بدترین نوع حکومت است ولی بهتر از این نوع حکومت نیز وجود ندارد. بدون شک، روش‌ها و حکومت‌های دموکراتیک مشکلات خود را دارند و در بسیاری از جوامع به‌عوام‌سالاری و عوام‌زدگی منجر می‌شوند، در حالی که ما گزیننه‌ای بهتر از مراجعه به آرای عمومی در اختیار نداریم. بنابراین، هرگاه فضای نقد و بررسی، گفت‌وگو و تبادل نظر در جامعه فراهم شود که فرصت انتخابات، چنین فضای را در جامعه تقویت می‌کند، افزایش این نوع مجال‌ها و فرصت‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی‌های عمومی، بالا رفتن قدرت انتخاب جامعه و باز شدن مع فریبکاران و دغلکاران کمک کند و مردم را در انتخاب بهترین فردی که توان، ظرفیت و اراده بهیود شرایط آنها را دارند، کمک کند. به نظر می‌رسد تاکنون جوامع بشری، به گزیننه‌ی بهتری دسترسی پیدا نکرده باشند و باید پذیرفت با تمام ایراداتی که این شیوه دارد هنوز شیوه بهتری برای جایگزینی آن شناخته نشده است و بر همین اساس، با ایجاد فرصت نقد و بررسی و گفت‌وگو می‌توان به مزایای این رویه در اداره جامعه دسترسی پیدا کرد.

تجربه انتخابات سال ۹۴ در این خصوص را چگونه

ارزیابی می‌کنید؟ آیا یک تجربه حزبی بود؟
بله، انتخابات ۹۴ یک تجربه حزبی بود چرا که ائتلاف اصلاح‌طلبان بر اساس نتیجه انتخابات سال ۱۳۹۲، ضرورت این ائتلاف را اساس تلاش خود قرار داد و اصلاح‌طلبان در بسیاری از مناطق کشور توانستند به رای‌های شناخت و درک اهمیت ائتلاف و یکپارچگی و وحدت یافتن، در واقع، امکان انتخاب نامزدهایی را فراهم کنند که به فراکسیون امید در مجلس شورای اسلامی شکل بخشیدند. اگر این یکپارچگی در سطح وسیع‌تری شکل می‌گرفت بدون شک، اصلاح‌طلبان می‌توانستند جمع بزرگ‌تری را در فراکسیون امید گردآورند پس این نتیجه، در اثر همکاری، هماهنگی و یکپارچگی اصلاح‌طلبان حاصل شد که آنها توانستند به هر حال، ساختار حاضر در مجلس شورای اسلامی را بر اساس این وحدت رفتاری خود تغییر دهند. این اتفاق بزرگی بود که می‌توان انتظار داشت در تداوم این رویه مبتنی بر وحدت و همدلی بر پایه منافع عمومی جامعه و منافع عمومی کشور، این تجربه در آستانه تکرار دیگری قرار گرفته باشد تا گام سوم برای بهبود شرایط کشور و بهبود موقعیت ایرانیان را شاهانه داشته‌شود.

این تجربه می‌تواند نشانی بر این باشد که جامعه برای

بیش از قبل در سیاست آماده‌گی دارد و امروز می‌توان

حفظ بلور ایستایی احتمالی بود؟ این طور نیست؟

البته، حتما همین طور است، در این زمینه تردید نکنید. ولی ما نیازمند دولتی هستیم که این آمادگی‌های اجتماعی را به حساب بیاورد و منافع نظراتی را به کمک مجلس و شورای نگهبان طراحی و اجرا کند که زمینه فعالیت‌های حزبی را تقویت کند و این امکان را فراهم آورد تا فعالان سیاسی در قالب احزاب، کنش‌ها و فعالیت‌های خود را سامان دهند و از طریق تقویت فعالیت‌های احزاب امکان افزایش نقش سیاسی در کشور به‌ویژه در حوزه عملی فراهم شود تا بر همین اساس، جلوی بسیاری از اشتباهات که در تاریخ ما بارها تکرار شده‌است، گرفته‌شود.

بنیادین است. جز این قادر به انجام کاری نخواهیم بود» (ص ۲۸). در بخشی از کتاب (ص ۲۹۳) گفت‌وگوی با مارتین هایدگر با عنوان «فلسفه دیگر به پایان کار خود رسیده‌است» آمده که از مهم‌ترین گفت‌وگوهای کتاب حاضر است، تاجایی که برخی متن این گفت‌وگو را جزو جدائات بر مجموعه آثار هایدگر به‌شمار می‌آورند. هایدگر در طول زندگی خود تنها می‌دهد در عین حال باید توجه داشت که سخن گفتن نیز شکلی از کنش است. این نکته اول، اما دومین مغطه: ما کاری را شروع می‌کنیم به اصطلاح تور خود را در پی روابط می‌افتشیم، ولی هرگز نمی‌دانیم چه از آن به دست می‌آوریم. همه ما نیازمند گفتن این سخنیم: «بدرایتان را ببخشایم، زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند.» این برای همه کنش‌ها صدق می‌کند، موضوع بسیار ساده و مشخص است چون کسی نمی‌تواند بپنداند چهار (رای مردم): پوپولیست‌ها همیشه دعوت به مراجعه به چهار (رای مردم): پوپولیست‌ها همیشه دعوت به مراجعه به واقع عمومی می‌کنند، ولی منظورشان فرآیندهای آزاد و دموکراتیک شکل‌گیری خواست شهروندان نیست. آنها صرفاً می‌خواهند برای مردم: پوپولیست‌ها به عنوان خواسته مردم واقعی تعیین کرد،داند، تأییدیه‌ای دست و پا کنند. بنابراین پوپولیسم شیوه‌ای برای افزایش مشارکت در سیاست نیست. پنج(حکومت قانون): پوپولیست‌ها می‌توانند حکومت کنندو به ظاهر بر اساس تعهد بنیادین‌شان نسبت به این ایده که تنها خودشان هستند که نماینده مردم هستند، اقدام کنند. ولی در عمل به اشغال دولت، مریدپروری توده‌ای، فساد و سرکوب هر آنچه شباهتی به یک جامعه مدنی منتقد دارد، می‌بردارند.

از طریق «زندیک‌تر کردن سیاست به مردم» یا حتی تثبیت مجدد حاکمیت عامه نیست. ولی روشن کردن این نکته نیز مفید است که بخش‌هایی از مردم واقعاً فاقد نمایندند هستند که این امر می‌تواند منافع یا هویت این گروه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. البته اذعان به این واقعیت، ادعای پوپولیست‌ها را مبنی بر اینکه فقط حامیان خودشان مردم واقعی هستند، خودشان هم تنها نمایندگان مشروع این افراد هستند، نتیجه نمی‌کند. پوپولیسم می‌تواند حامیان لیبرال دموکراسی را به تامل بیشتر در مورد نقایص موجود در دموکراسی نمایندگی و نیز هم‌تنها نمایندگان مشروع این افراد هستند، نتیجه نمی‌کند. قبیله که، معیارهای تعلق به یک نظام حکومتی کدامند؟ چرا حفظ بلور ایسم و کنتر گرای اقدایی از زشمند است؟ چگونه می‌توان به بررسی علایق رای‌دهندگان پوپولیست پرداخت و آنها را شهروندانی آزاد و برابر با دیگران تلقی کرد و نه مواردی آسیب‌شناختی از رفتار زنان و مردانی که از سر ناامیدی، خشم و تفر رای می‌دهند؟ امیدوارم کتاب من پاسخ‌هایی هر چند مقدماتی، برای این مسائل ارائه کرده باشد.

عرفی آن، بلکه آنچه برای‌شان مهم است ادعای نمایندگی نمادین «مردم واقعی» است برای القای درستی कुछ مشی سیاسی‌شان. چنین رویکردی موضع سیاسی پوپولیست‌ها را از ابطال تجربی هم مصون می‌دارد. پوپولیست‌ها همیشه می‌توانند با جرحه «مردم واقعی» یا «کنزیت خاموش» به جنگ با نمایندگان انتخاب شده یا نتایج رسمی آن بپردازند. چهار (رای مردم): پوپولیست‌ها همیشه دعوت به مراجعه به آرای عمومی می‌کنند، ولی منظورشان فرآیندهای آزاد و دموکراتیک شکل‌گیری خواست شهروندان نیست. آنها صرفاً می‌خواهند برای مردم: پوپولیست‌ها به عنوان خواسته مردم واقعی تعیین کرد،داند، تأییدیه‌ای دست و پا کنند. بنابراین پوپولیسم شیوه‌ای برای افزایش مشارکت در سیاست نیست. پنج(حکومت قانون): پوپولیست‌ها می‌توانند حکومت کنندو به ظاهر بر اساس تعهد بنیادین‌شان نسبت به این ایده که تنها خودشان هستند که نماینده مردم هستند، اقدام کنند. ولی در عمل به اشغال دولت، مریدپروری توده‌ای، فساد و سرکوب هر آنچه شباهتی به یک جامعه مدنی منتقد دارد، می‌بردارند.

سیاسی مخالفتی ندارند، فقط اصرار می‌ورزند که تنها خودشان نمایندگان مشروع مردم هستند. دو (انتصار گرایی): همه منتقدان نخبگان لزوماً پوپولیست نیستند. پوپولیست‌ها علاوه بر ضدیت با نخبگان با بلور ایسم و کنتر گرای نیز مخالفند. آنها مدعی‌اند که خودشان و تنها خودشان نماینده مردم هستند و دیگر رفقای سیاسی شان اساساً فاقد مشروعیت‌اند چون هر کسی که حامی آنها نباشند اصلاً جزو مردم به حساب نمی‌آید. پوپولیست‌ها وقتی که در موضع اپوزیسیون قرار می‌گیرند بر این نکته اصرار می‌ورزند که نخبگان حاکم غیر اخلاقی و فاسدند، در حالی که مردم، به مثابه موجودیتی همگون، دارای وجه‌ای اخلاقی بوده و هسته‌های‌شان نمی‌تواند که خطا باشد.

سه (مصلحت‌مردم): غالباً چنین به نظر می‌رسد که پوپولیست‌ها داعیه نمایندگی خیر و صلاح عامه را، آنچنان که خواست مردم است، دارند. ولی بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد آنچه برای پوپولیست‌ها اهمیت دارد نه توجه به فرآیند حقیقی تکوین خواست مردم است و نه خیر عامه در معنای

نگاهی به کتاب در جست‌وجوی معنای زندگی: جستاری بر دیدگاه اندیشه‌ورزان اروپایی

زندگی باید امیدوار باشد

زهرآزموه

سرگشتگی انسان معاصر در پی یافتن پاسخ به پرسش‌های دیرین خود در باب معنای زندگی همچنان چالشی اساسی در محافل اندیشه‌ورزی است؛ به گونه‌ای که انسان امروز در مواجهه با گسترده‌گی و پشرفت روزافزون علم و منابع اطلاعاتی در دسترس و همچنین رواج رسانه‌های ارتباطی، بیش از هر زمان دیگری دچار یأس و ناامیدی شده است. «من کیستم؟» «در این جهان چه می‌خواهم؟» «این جهان را چه پایانی است؟» و پرسش‌هایی از این دست که پاسخ به آنها در گرو یافتن در کی بر معنای زندگی است، ذهن انسان درگیر اما تنها شده در زندگی مدرن را ریش از پیش به خود مشغول داشته است. انتشارات فرهنگ معاصر به تازگی مجموعه‌ای با عنوان «در جست‌وجوی معنای زندگی» منتشر کرده‌است. این مجموعه شامل ۱۰ گفت‌وگو با اندیشه‌ورزان اروپایی آلمانی‌زبان با آلمانی دان است که به همت خسرو نافذ، مترجم کتاب از متن

تغییرات مشهود

ممکن نیست

بسیاری از برنامه‌های قابل اجرا در کشور در چارچوب قوانین بالادستی معین شده و اینگونه نیست که یک فرد بتواند تغییرات بسیار مشهود در بسیاری از روندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی کشور ایجاد کند و به دلیل آگاهی ضعیف نسبت از این امکانات و محدودیت‌ها و قوانین مصوب، این مجال فراهم می‌شود که برخی از نامزدها بتوانند شعارهایی را مطرح کنند که بسیاری از رای‌دهندگان بدون توجه به امکانات اجرایی شدن آن، به دنبال این گروه از نامزدها روانه شوند.